

— مجموعه غزل —

سهراب

همنوز باریک
است

میترا سادات دهقانی

سرشناسه: دهقانی، میتراسادات، ۱۳۶۹-

عنوان و نام پدیدآور: هنوز باران است / میتراسادات دهقانی.

مشخصات نشر: تهران، مؤسسه فرهنگی هنری شهرستان ادب، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۸۴ ص.

شابک: ۶-۴۴-۶۹۳۶-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian poetry -- 20th century

رده‌بندی کنگره: PIR۸۳۴۳

رده‌بندی دیویی: ۸۶۲/۸۴۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۴۳۹۳۱۵

اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیبا

www.ketab.ir



هنوز باران است

میترا سادات دهقانی

ویرایش: تحریریه انتشارات شهرستان ادب
حروف‌نگاری و آماده‌سازی: کارگاه هنری انتشارات شهرستان ادب
طرح جلد: سیدمهداد موسوی
لینتوگرافی، چاپ و صحافی: بشارت
چاپ اول: پائیز ۱۴۰۰
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۳۶-۲۴-۶

حق چاپ محفوظ و مخصوص انتشارات شهرستان ادب است.
هرگونه استفاده، منوط به اجازه کتبی از ناشر است.
این اثر تحت حمایت «فانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

www.ketab.ir



تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از سه‌راه طالقانی، روبه‌روی سینما صحرا،
پلاک ۱۶۸، طبقه ۲، انتشارات شهرستان ادب
تلفن: ۰۲۱-۷۷۶۴۰۸۹۷، بازرگانی: ۰۲۱-۴۸۹۰۷۰
www.shahrestanadab.com
www.adabbook.com

فهرست

- ۹..... بیا به یک شب قامت خمیده فکر کنیم
- ۱۱..... در خانه عکس‌های زیادی هست، از من که در کنار کسی بودم
- ۱۳..... سکوت می‌کنی اما سخن قشنگ‌تر است
- ۱۵..... بیا «فروغ» بخوانیم و خوب گریه کنیم
- ۱۷..... می‌گریزم به خانه از کوچه، می‌گریزم به کوچه از خانه
- ۱۹..... چه اشتباه قشنگی ست اشتباه تو باشم
- ۲۱..... مغرور و شاد و پرهیجانم کنار تو
- ۲۳..... عبور می‌کنم از کوچه‌های سر به‌گریبان
- ۲۵..... با من زنی نشسته که در فنجان، تصویر چشم‌های تو را دیده
- ۲۷..... بریز باده که دستی به زلف یار ندارم
- ۲۹..... با خود همیشه چتر بردارید، اینجا تمام سال آبان است
- ۳۱..... موی سپید و روی سیاهی نداشتم
- ۳۳..... نه کفش تازه، نه شال و کلاه می‌خواهند
- ۳۵..... نوشیده‌ام بدون تو فنجان دیگری
- ۳۷..... دلتنگم و قدم به قدم عاشق توام

- ۳۹ پرنده باشی و تنها، بدون بال بمیری
 ۴۱ نگاه کن به زنی بی ثبات، افسرده
 ۴۳ پاییز می آید کماکان عاشقت هستم
 ۴۵ هرگز نمی لرزیدم از این دست طوفان ها
 ۴۷ ما را جفای زندگی از رو نمی برد
 ۴۹ خوش به حال دل هر کس که قراری دارد
 ۵۱ مایوسم و خیال به جایی نمی رسد
 ۵۳ چه کسی دیده به جو، آب روان برگردد؟
 ۵۵ سمنان و شیراز و اهواز، تبریز باران می آید
 ۵۷ کنار فلسفه بافی برای یک چمدان
 ۵۹ برای پنجره ها فرصت نظاره نبودم
 ۶۱ جز تویی که همیشه در سفری، همه در فکر آمدن بودند
 ۶۳ بخوان که نیتیم از شعر عاشقانه تویی
 ۶۵ نپرس از غم من، همان غم، غمی که نداری
 ۶۷ امروز روز اول شهریور، یا به عبارتی سی خرداد است
 ۶۹ بهار آمده اما هنوز آبان است
 ۷۱ به خنده های بدون تو اعتماد ندارم
 ۷۳ مرا ببخش که شعرم پر از غم است همیشه
 ۷۵ دیگر گلی نمانده که برداری، از شاخه های این تن سی ساله
 ۷۷ به استخاره نیازی ندارد آمدنم
 ۷۹ در ایستگاه نشستم ولی قطار نیامد
 ۸۱ با من بیا به سمت خیابان سال بعد